

حسین طاهرزاده بهزاد

علی اصغر میرزایی مهر



هنر گستر



حسین طاهرزاده بهزاد تبریزی

۱۳۴۱-۱۳۶۶ش

علی اصغر میرزایی مهر
(عضو هیئت علمی دانشگاه علم و فرهنگ)



سرشناسه	میرزایی مهر، علی اصغر، ۱۳۴۰-
عنوان و نام پدیدآور	حسین طاهرزاده بهزاد تبریزی (۱۳۴۱-۱۳۶۶ش): علی اصغر میرزایی مهر: [با همکاری] دانشگاه علم و فرهنگ.
مشخصات نشر	تهران: فرهنگستان هنر جمهوری اسلامی ایران، مؤسسه تألیف، ترجمه و نشر آثار هنری «متن»، ۱۴۰۱.
مشخصات ظاهری	۲۰۰ ص، مصور (بخشی رنگی).
شابک	۹۷۸-۹۶۴-۲۳۲-۳۲۶-۵
وضعیت فهرست نویسی	فیپا.
یادداشت	کتابنامه: ص. [۱۸۷-۱۸۹].
موضوع	طاهرزاده بهزاد، حسین، ۱۳۴۱-۱۳۶۶ش
موضوع	نقاشان ایرانی - قرن ۱۴ - سرگذشتنامه: Painters-Iran-20th century-Biography
موضوع	نقاشی ایرانی - قرن ۱۴: Painting-Iran-20th century
شناسه افزوده	فرهنگستان هنر جمهوری اسلامی ایران، مؤسسه تألیف، ترجمه و نشر آثار هنری «متن»، دانشگاه علم و فرهنگ
رده بندی کنگره	ND ۹۸۹
رده بندی دیویی	۷۵۹/۹۵۵
شماره کتابشناسی ملی	۸۹۲۳۳۳۱



مؤسسه تألیف، ترجمه و نشر آثار هنری «متن»

حسین طاهرزاده بهزاد تبریزی

(۱۳۴۱-۱۳۶۶ش)

علی اصغر میرزایی مهر

مترجم چکیده انگلیسی: ولی اله کاووسی

طراح جلد و صفحه آرا: میثم رادمهر

نوبت چاپ: اول، ۱۴۰۱

شمارگان: ۵۰۰ نسخه

ناظر چاپ: میثم رادمهر

لیتوگرافی و چاپ: پیکان

قیمت: ۳۳۰/۰۰۰ تومان

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۲۳۲-۳۲۶-۵

کلیه حقوق چاپ و نشر برای ناشر محفوظ است.

مؤسسه: تهران، انتهای خیابان فلسطین جنوبی، خیابان لقمان ادهم،

بن بست بوذرجمهر، شماره ۲۴، مؤسسه تألیف، ترجمه و نشر آثار هنری «متن».

تلفن: ۴-۶۶۴۹۸۶۹۲ - دورنگار: ۶۶۹۵۱۶۶۲

فروشگاه مرکزی: خیابان ولی عصر، نرسیده به چهارراه طالقانی،

شماره ۱۵۵۰، ساختمان مرکزی فرهنگستان هنر. تلفن: ۶۶۴۹۰۹۹۰

پست الکترونیک: matn@honar.ac.ir

نشانی اینترنتی: www.matnpub.ir

اینستاگرام: [matn_book400](https://www.instagram.com/matn_book400)

فهرست مطالب

۷	سپاسگزاری
۹	مقدمه
۱۱	هنر برتر از گوهر آمد پدید
۱۳	سرآغاز
۱۵	فصل اول: تصویری از زندگی هنرمند
۱۵	درآمد
۱۶	قوس زندگی حسین طاهرزاده بهزاد
۳۳	رقم‌های طاهرزاده
۳۷	فصل دوم: میراث معنوی طاهرزاده بهزاد
۳۷	درآمد
۳۷	مدرسه صنایع قدیمه
۳۸	چگونگی تشکیل مدرسه از زبان طاهرزاده بهزاد
۳۹	جایگاه اداری و گستره فعالیت‌های مدرسه
۴۰	رشته‌های مختلف هنری در مدرسه
۴۱	آموزش در مدرسه
۴۴	فرایند تولید تا مصرف آثار هنری در مدرسه
۴۵	اعطای گواهینامه تحصیلی
۴۵	تحولات مدرسه در دهه‌های بعد
۴۶	مدرسه صنایع قدیمه و مدرسه صنایع مستظرفه در کنار هم یا در مقابل هم؟
۴۸	پشتوانه‌های فکری و انگیزه‌های تشکیل مدرسه صنایع قدیمه
۴۹	ناسیونالیسم و میهن‌پرستی
۴۹	باستان‌گرایی و باستان‌شناسی
۵۰	عوامل خارجی
۵۲	«مؤسسه قالی ایران» پیش‌درآمدی بر مدرسه صنایع قدیمه
۵۳	مدیریت طاهرزاده بهزاد در مدرسه
۵۵	حسین طاهرزاده بهزاد در بیان دیگران
۶۰	تجدید حیات هنر نگارگری در مدرسه
۷۰	تداوم نگارگری پس از رضاشاه
۷۰	تشکیل موزه هنرهای ملی ایران
۷۳	تألیفات
۷۴	کتاب نقشه‌های قالی
۷۶	مقاله «آماده‌سازی مصالح و ابزارهای نقاشان مینیاتور»

۸۳	فصل سوم: میراث هنری طاهرزاده بهزاد
۸۳	درآمد
۸۴	آموزش های هنری طاهرزاده
۸۵	تنوع و گستردگی آثار طاهرزاده
۸۶	همکاری با مطبوعات و مصورسازی کتاب
۹۲	مجموعه آثار نگارگری
۱۰۶	نقاشی های طاهرزاده در کاخ سبز سعدآباد
۱۰۹	فعالیت طاهرزاده در احداث کاخ مرمر
۱۱۰	نقاشی های طاهرزاده در کاخ مرمر
۱۳۰	نقشه های موجود در موزه فرش
۱۴۱	نقاشی قهوه خانه ای
۱۴۷	چهره پردازی از بزرگان فرهنگ و دانش
۱۵۰	نقاشی واقعگرا
۱۶۱	فصل چهارم: شاگردان و پیروان طاهرزاده بهزاد
۱۶۱	درآمد
۱۶۸	طاهرزاده در ترازو
۱۸۷	منابع
۱۹۸	چکیده انگلیسی

سپاسگزاری

شناسایی و گردآوری آثار پراکنده طاهرزاده بهزاد در مراکز و موزه‌های متعدد بدون همراهی مسئولان مربوطه امکان‌پذیر نبوده است از این رو سپاس بی‌دریغ خود را نسبت به یاوران این پژوهش تقدیم می‌کنم.

سرکار خانم گل‌صبحی و مؤمن‌پور، رئیس و امین اموال کاخ موزه مرمر (موزه هنر ایران) و همراه بزرگوار دکتر محسن قانونی رئیس اداره حفاظت و مرمت مؤسسه فرهنگی موزه‌های بنیاد مستضعفان، سرکار خانم ضیغم رئیس کاخ موزه ملت، خانم‌ها رئوف و عبداللهی رئیس و امین اموال کاخ موزه سبز، خانم‌ها میرزا آقاییک و سعیدی رئیس و امین اموال کاخ موزه هنرهای زیبا، خانم تاجبخش رئیس موزه آلبوم‌های سلطنتی، خانم منوچهری رئیس کتابخانه و پژوهشگاه مجموعه تاریخ سعدآباد، خانم نجفی امین اموال موزه هنرهای ملی ایران، و خانم بیضایی رئیس موزه فرش ایران.

هم‌چنین مسئولین مرکز اسناد و کتابخانه ملی که سندهای مربوط به طاهرزاده را در اختیار اینجانب قرار دادند. خانم اسماعیلی مدیر بخش آرشیو مؤسسه حراج هنر تهران و عزیزان پژوهشگر و همکارانی که گاه و بیگاه از مشاوره آنان بهره‌مند شده‌ام از جمله کیانوش معتقدی، سید محمود افتخاری، محمدحسن حامدی، جواد علی‌محمدی، مهدی قربانی، مهدی مکی‌نژاد، رضا یساولی، فتانه الماسی، اکرم احمدی‌توانا و نیز جناب ولی‌اله کاووسی که زحمت ترجمه بخش انگلیسی را تقبل فرمودند، هم‌چنین دخترم مهنوش که در مطالعات میدانی و عکاسی از آثار و آرشیو مطالب همراهی‌ام کرده است.

روشن است که بدون حمایت ریاست و معاونت پژوهشی فرهنگستان هنر و همکاری دانشگاه علم و فرهنگ و مدیریت مؤسسه «متن»، چه بسا کتاب حاضر در این زمان و به این شکل به دست خواننده نمی‌رسید، پس سپاسگزاری از تک‌تک این بزرگواران را بر خود واجب می‌دانم.

مقدمه

کتاب حاضر به شرح احوال و آثار هنرمند پراوازه ایرانی حسین طاهرزاده بهزاد می‌پردازد. شخصیتی چند وجهی که در عرصه‌های مختلف جستجوگری، تجربه و اندیشه‌ورزی کرده است. هنرمندی که هم در زمینه پژوهش هنر و هم در حوزه‌های متنوعی چون نقاشی، مصورسازی کتاب و کاریکاتور، تذهیب، طراحی فرش و کاشی، مرمت آثار هنری فعالیت داشته؛ افزون بر آنکه مدیر هنری آگاه و صاحب نظر بوده است. اهتمام وی در تشکیل موزه، نمایشگاه‌ها و بنیان‌گذاری، مدیریت و سازماندهی و رهبری نیروی انسانی و تدریس در مدرسه صنایع قدیمه یا هنرستان عالی هنرهای ملی، موجب رونق و حیاتی دوباره در هنرهای ملی شد و در مقطع تاریخی که با ترویج و فراگیر شدن هنر طبیعت‌گرایانه غربی بسیاری از سنت‌های تصویری و هنری در حال دگرگونی بود و به محاق می‌رفت، توانست حداقل در قالب، جانی دوباره به نگارگری ایرانی بخشد.

فرهنگستان هنر مفتخر است در راستای مطالعه تحولات یک صد ساله هنر معاصر ایران و برگزاری همایش صد سال نگارگری معاصر ایران با انتشار این اثر، متنی مستند و سودمند برای معرفی بخشی از نگارگری معاصر و تحولات آن ارائه نموده و فرصت مناسبی برای تحقیق و پژوهش هنری به ویژه برای هنرپژوهان و دانشجویان و علاقه‌مندان این عرصه را فراهم آورده است. بی‌تردید برای داشتن هویتی معاصر و در عین حال ایرانی در هنر امروز، تأمل و تدبیر و بازخوانی هنر گذشته و رجوع به سرچشمه‌ها و گنجینه‌های هنر و معماری و مفاخر این عرصه نباید مورد غفلت قرار گیرد که پشتوانه هویت بصری و زمینه‌ساز تداوم سنت‌های هنری در دوران معاصر را به دنبال خواهد داشت. امید است انتشار چنین آثاری مطالعه هنر معاصر ایران را عمق و غنا بخشد.

در پایان لازم است از مساعی نویسنده محترم کتاب و همچنین همکاری دانشگاه علم و فرهنگ قدردانی نمایم. انتشار این کتاب بدون حمایت‌های جناب آقای دکتر بهمن نامور مطلق رئیس محترم فرهنگستان هنر و تلاش‌های جناب آقای نادر قربانی مدیرعامل محترم مؤسسه «متن» و همکارانشان، میسر نمی‌شد که مراتب سپاس خود را تقدیم می‌دارم.

منیژه کنگرانی

معاون پژوهشی و هنری فرهنگستان هنر

هنر برتر از گوهر آمد پدید

هنر نگارگری آینه‌ای است تابناک که بخش بزرگی از سیمای فرهنگی ایران را می‌توان در آن به تماشا نشست. آمیزه‌ای از تصور و تصویر که نماد و نمود همگامی ادبیات پرفروغ پارسی با هنرنقاشی است. این هنر با آن که ریشه‌های باستانی دارد اما شکفتگی آن در پیوند با جهان‌بینی و عرفان ژرف اسلامی پدید آمد و در عهد تیموری و صفوی به بالندگی نهایی رسید که جلوه‌های آن هنوز چشم جهانیان را خیره می‌سازد. ولی پس از دوران صفوی دچار رکود و خمودگی گردید و در عهد قاجار با هجوم هنر اروپایی به گوشه عزلت خزید و از میدان به در شد. اما در روزگار ما بار دیگر به گستره جامعه بازگشته و گونه‌ای نوزایی و تجدید حیات را تجربه می‌کند. پژوهش حاضر تلاشی برای زدودن غبار از چهره هنرمندی است که عامل اصلی این نوزایی بوده است.

مؤلف در این کتاب نشان می‌دهد که نگارگری معاصر بیش از همه وامدار کوشش‌های دلسوزانه هنرمندی ذوفنون به نام حسین طاهرزاده بهزاد است. میهن‌دوستی خلاق با شخصیتی چندوجهی و سیال که نیاز زمان و زمانه خود را به درستی درک می‌کرد. او که دوران جوانی را در کوران حوادث سیاسی معطوف به انقلاب مشروطیت گذراند در هنگامه استبداد صغیر محمدعلی شاهی اسلحه به دست گرفته دلاورانه از کیان انقلاب و آزادی دفاع کرد همین فعالیت‌ها او را مجبور به مهاجرت نمود. در سال‌های دوری از وطن به فراگیری علم و دانش پرداخته پایه و مایه خویش را برکشید آنگاه با اندوخته‌ای گرانسنگ به دامان میهن بازگشت و داشته‌هایش را به پای مردم نثار کرد.

طاهرزاده بهزاد در گذر عمر پر بارش میراث هنری و معنوی سترگی از خود به جا گذاشته است. میراث متنوع هنری، او را صدرنشین هنر و هنرمندان نقاش عصر خویش می‌کند اما میراث معنوی‌اش وی را مدیری هوشمند معرفی می‌نماید که درد اعتلای فرهنگ بومی را دارد و با اشراف به میراث گذشتگان می‌کوشد آن را با نیاز جامعه و جهان معاصر همگام سازد.

طاهرزاده بهزاد حدود یکصد سال پیش با دایر کردن مدرسه صنایع قدیمه که بعدها به هنرستان عالی هنرهای ایرانی تغییر نام داد نخستین مرکز آموزش رسمی هنرهای سنتی به ویژه نگارگری را بنیان نهاد و نگارگران دلسوخته و گمنام را از جای جای کشور گرد آورد و به تربیت نسلی توانمند از هنرمندان پرداخت. مدرسه‌ای که او پی‌ریزی کرد پیشگام دانشگاه‌ها و دانشکده‌های هنری معاصر است. اگر امروزه هنر نگارگری شأن و شکوهی در جامعه دارد بی‌تردید وامدار همت والای اوست هم‌چنان که تمامی نگارگران نیز به درجاتی متفاوت مدیون تلاش‌های بی‌وقفه اویند.

اقدام فرهنگستان هنر جهت انتشار این کتاب از سویی نشانه اعتبار پژوهشی آن و از دیگر سو نشان‌دهنده ضرورت نشر چنین منابعی برای رفع نیازهای جامعه علمی و مراکز دانشگاهی در رشته‌های هنری است.

دانشگاه علم و فرهنگ خرسند است که در راستای رسالت علمی و آموزشی خویش هم به تربیت دانشجویان در رشته نگارگری می‌پردازد و از این طریق سهمی در گسترش این هنر اصیل ایرانی دارد و هم ضمن همکاری با فرهنگستان هنر از پژوهش‌های اعضای علمی خویش حمایت می‌نماید.

سید سعید هاشمی

رئیس دانشگاه علم و فرهنگ

سـر آغاز

سال‌های حیات حسین طاهرزاده بهزاد (۱۳۴۱-۱۲۶۶ش) روزگاری است پرتب و تاب که جامعه ایران تحولات سریع و عظیمی را در وجوه مختلف زیست اجتماعی و فرهنگی خود تجربه می‌کند. زندگی و عملکرد طاهرزاده نیز تابعی از این فراز و فرود است.

طاهرزاده در عمر خود دو سلسله پادشاهی، شش پادشاه، یک انقلاب اجتماعی بزرگ در داخل کشور خویش - انقلاب مشروطه - یک انقلاب بلشویکی در همسایه شمالی - که سال‌هایی را آنجا می‌زیست - یک انقلاب جمهوری خواهانه در همسایه غربی - عثمانی که دو دهه از عمر خود را آنجا گذراند - و دو جنگ جهانی را تجربه کرده است.

او که شخصیتی اجتماعی دارد در دوره سلطنت ناصرالدین شاه به دنیا آمده دوران نوجوانی را در تلاش برای آموزش هنر در تبریز و تفلیس می‌گذراند. در عصر مظفرالدین شاه فعالیت‌های هنری‌اش را توسعه داده در سال‌های استبداد صغیر محمدعلی شاهی به مبارزین مسلح و مخالفین قاجاریه می‌پیوندد و اقدام به مهاجرت سیاسی به کشور عثمانی می‌کند و از آنجا التهابات جامعه خویش را ردیابی و با انقلابیون ملی‌گرا و باستان‌گرای استانبول و برلین همکاری و همفکری دارد و در موزه‌های مختلف، آموخته‌های هنری خود را عمق و توسعه می‌بخشد و تجاریش را تنوع می‌دهد.

با سقوط سلسله قاجار و طلوع دولت پهلوی، بخشی از آرزوهای خود را تحقق یافته می‌بیند پس دعوت حکومت نوپای رضاشاه را پذیرفته و بعد از دو دهه به ایران بازگشته و مصدر خدمات و مسئولیت‌های بزرگ می‌شود. در این سال‌هاست که توانایی‌های شخصیت چندوجهی او بروز پیدا کرده مهم‌ترین میراث معنوی و هنری خود را پدید می‌آورد و سرآمد هنرمندان دربار می‌گردد. اما با افول ستاره اقبال پهلوی اول، طاهرزاده نیز فروغ هنری خود را کم‌کم از دست می‌دهد. آن‌گاه بار دیگر به استانبول بازمی‌گردد و باقی عمر را به تدریس در مجامع دانشگاهی آن دیار و فعالیت‌های هنری سپری می‌کند. پس همانند زندگی پرفراز و فرودش، تعجبی ندارد که میراث هنری او نیز بسیار متنوع و گوناگون باشد؛ از این روست که طاهرزاده را یک روز هنرجوی شهر تفلیس می‌بینیم و یک روز کاریکاتوریست نشریه آوانگارد حشرات الارض. یک روز در قامت مجاهد مبارز و یک روز مهاجر سیاسی در جمع روشنفکران تحول‌خواه استانبول. یک روز مرمتگر کتاب‌های هنری قدیمی در موزه توپقاپو، یک روز هنرجوی مدرسه الخطاطین و روز دیگر استاد همین مدرسه در عثمانی. یک روز تصویرگر چهره ویلهلم، امپراتور آلمان، یک روز طراح نشریه سیاسی و

تأثیرگذار ایرانشهر در برلین و یک روز مدیر موفق صنایع قدیمه و جانشین و رقیب کمال‌الملک در تهران. یک روز طراح فرش‌های کاخ‌های سلطنتی، روز دیگر نقاش نگارگر جریان‌ساز و دیوارنگار کاخ مرمر و یک روز نویسنده و رسام کتاب نقشه‌های قالی ایران. یک روز سخنران و مدافع هنرهای ایرانی در سالن موزه ارمیتاژ در سن پترزبورگ و روز دیگر در کنار کوره کاشی‌پزی و یک روز نماینده دولت ایران در نمایشگاه بین‌المللی از میر ترکیه و در نهایت یک روز خفته در آرامش ابدی گوری سرد در امامزاده قاسم شمیران.

این کتاب ذیل پژوهش در احوال و آثار طاهرزاده لاجرم به دو مقوله مهم همسو با عملکرد او نیز می‌پردازد: یکی پیدایش، فراز و فرود و جایگاه «مدرسه صنایع قدیمه» یا همان «هنرستان عالی هنرهای ملی»، که بنیان‌گذار و مدیر آن طاهرزاده بود؛ و دیگری کنکاش در چند و چون هنرنگارگری معاصر و تجدید حیات آن که در این راستا نیز طاهرزاده تعیین‌کننده‌ترین نقش را داشت.

در دو دهه اخیر تلاش‌های ارجمندی برای تحلیل تاریخ هنر و نقاشی معاصر صورت گرفته و کتاب‌ها و مقالات مفید بسیاری انتشار یافته است؛ اما منظر عمده این پژوهش‌ها معطوف به گرایش‌های مدرنیستی در هنر بوده و مؤلفان کمتر به حوزه هنرهای سنتی به‌ویژه هنرنگارگری پرداخته‌اند. نگارنده به عنوان معلم تاریخ هنر، خلأ چنین مباحثی را در منابع موجود احساس می‌کردم و این نوشتار تلاشی برای جبران بخشی از این کاستی‌هاست. امید که روشنگرزوایی از تاریخ نقاشی ایران در سرآغاز سده اخیر بوده به‌ویژه تصویر دقیقی از احوال و آثار حسین طاهرزاده بهزاد به دست دهد.

فصل اول

تصویری از زندگی هنرمند

درآمد

نه تنها درباره میراث هنری حسین طاهرزاده بهزاد تبریزی پژوهشی صورت نگرفته بلکه اساساً در مورد سیر زندگی او نیز آگاهی‌های پراکنده‌ای وجود دارد که هرگز در جایی گرد نیامده و کسی بدان نپرداخته است. از این رو بهتر آن است که ابتدا تصویری از قوس زندگی و وقایع حیات ایشان ترسیم گردد، آن‌گاه میراث معنوی و هنری او محک بخورد. اطلاعاتی که در پی می‌آید غالباً از به هم پیوستن مطالب پنج منبع زیر حاصل آمده است:

۱. زندگینامه خودنگاشت حسین طاهرزاده بهزاد. مرحوم طاهرزاده زندگینامه‌ای به قلم خود داشته که مدتی در اختیار جمشید مهرپویا بوده است و نامبرده بخش‌هایی از آن را در مقاله‌ای با عنوان «استاد حسین طاهرزاده بهزاد» به سال ۱۳۶۷ش در مجله موزه‌ها منتشر نموده است (نک: مهرپویا، ۱۳۶۷: ۲۳-۱۲). هر چند امروزه این زندگینامه در دست نیست، آنچه در مقاله مزبور از قلم طاهرزاده آورده شده است آگاهی‌های سودمندی از گذشته وی و سختکوشی‌هایش در راه ارائه خدمات فرهنگی به جامعه به دست می‌دهد.

۲. کتاب سرآمدان هنر. این کتاب تألیف کریم طاهرزاده بهزاد، برادر کوچک‌تر حسین است که به سال ۱۳۰۲ش در برلین چاپ و منتشر شده است و چنانکه از عنوانش برمی‌آید تعدادی از سرآمدان هنر را اعم از ایرانی یا اروپایی معرفی می‌کند و در این میان جایگاه ویژه‌ای نیز برای برادر بزرگ‌تر خود حسین قائل است و عملکردها و فعالیت‌های هنری او را نیز گزارش می‌دهد؛ از این رو برای بررسی آنچه به

قبل از سال ۱۳۰۲ مربوط می‌شود کارآمد است.

۳. کتاب قیام آذربایجان در انقلاب مشروطیت ایران. این کتاب که به قلم کریم طاهرزاده است و به سال ۱۳۳۴ش تألیف شده، به نقش آذربایجان در انقلاب مشروطیت می‌پردازد؛ اما از آن رو که کریم و حسین علاوه بر علقه برادری، هم‌زم و همسفر و یار و همکار یکدیگر بوده‌اند پس طبیعی است که در کتاب مذکور اطلاعات مفیدی از ماجراهای زندگی برادر بزرگ‌تر را بتوان یافت.

۴. سندهای موجود در سازمان اسناد کتابخانه ملی ایران. در این مرکز ده‌ها برگ سند مربوط به حسین طاهرزاده و فعالیت‌های او نگهداری می‌شود که روشنگر برخی از زوایای زندگی، مسئولیت‌ها و اقدامات نامبرده است تعدادی از این اسناد در همین مجموعه منتشر شده است.

۵. میراث هنری طاهرزاده. حسین طاهرزاده میراث هنری چشمگیری از خود بر جای گذاشته اعم از دیوارنگاری، نگارگری، نقاشی رنگ روغنی، نقشه‌کشی فرش، کاریکاتور و... که غالباً رقم و تاریخ اجرا دارند. نقد و بررسی این آثار علاوه بر نمایش توانایی‌های فنی، بازتاب دلمشغولی‌ها و کشش‌ها و کوشش‌های فرهنگی، اجتماعی و گاهی سیاسی هنرمند است و آگاهی‌بخش.

بدیهی است که مؤلف به منابع مذکور بسنده نکرده بلکه هر جا یادی و نامی از این هنرمند بوده مورد واکاوی قرار داده تا پست و بلند زندگی او از تولد تا مرگ با وضوح بیشتری ترسیم گردد. امید که چیزی از قلم نیافتاده باشد.

قوس زندگی حسین طاهرزاده بهزاد

حسین طاهرزاده بهزاد پسر ملامحمد طاهر طاهرزاده بهزاد در سال ۱۲۶۶ش/۱۸۸۷م در تبریز متولد شد. پدر وی که رئیس نیروی دولتی در سراب بود در اواخر عمر از کارهای دولتی دست کشید و به کسوت روحانیت درآمد. او دارای پنج پسر بود که هر کدام از آنها به نوعی از هنر بهره برده بودند به خصوص حسین و برادر کوچک ترش کریم (نک: شافعی و همکاران، ۱۳۸۴: ۱۴) (تصاویر ۱ و ۲).

حسین، آنجا که از پدر و ایام کودکی یاد می‌کند چنین می‌نویسد:

دنیا دیده بود، کتابخانه مفصلی داشت، شب و روز به عبادت حق و مطالعه وقت می‌گذرانند. در تربیت اولاد خود جدی و ساعی بود. به خصوص در تربیت من علاقه خاص داشت و خیلی آرزومند بود که من تحصیلات خود را در رشته علوم دینی بکنم و مسلک روحانی انتخاب کنم و همیشه می‌گفت: هر چه دارم در بین اولاد من علی ما فرض الله تقسیم کنند ولی هر چه کتاب دارم متعلق به عبدالحسین است زیرا من می‌خواهم که عبدالحسین یک ملای حسابی و آدم متدین و عالم باعمل باشد. مرا روی زانوی خود می‌نشانند و سوره حمد و قل هو الله و سایر آیات قرآن را یاد می‌داد و مخصوصاً علاقه داشت که در حین تلفظ حروف عربی خطا نکنم [...] پدرم حافظ قرآن بود و در محضر شیخ عبدالکریم قاری قرآن، تجوید قرآن را یاد گرفته بود (مهرپویا، ۱۳۶۷: ۱۲).



تصویر ۲. حسین طاهرزاده بهزاد در سال‌های پایان عمر (استانبول) (مأخذ: موزه اسناد و آلبوم‌های سلطنتی).



تصویر ۱. حسین طاهرزاده بهزاد در سنین جوانی (استانبول) (مأخذ: موزه اسناد و آلبوم‌های سلطنتی).

خانواده به تفلیس می‌رود و در این شهر روابط خود را با میرزاجلیل مدیر روزنامه ملانصرالدین آغاز می‌کند و علاوه بر همکاری با آن نشریه پیشرو، آزادانه به آموختن نقاشی می‌پردازد.

حسین طاهرزاده از سال ۱۲۸۰ تا ۱۲۸۳ش در مدرسه هنرهای زیبای شهر تفلیس تحصیل می‌کند؛ اما بالاخره خانواده به محل اقامت وی در تفلیس پی می‌برند و یکی از خویشاوندان را برای بازگرداندن وی به زادگاه خود اعزام می‌کنند. حسین ۱۷ ساله اطاعت از اوامر بزرگ‌ترها و خانواده را پذیرفته به تبریز بازمی‌گردد.

در این سال‌ها نرمخویی‌های مظفرالدین شاه موجب بازتر شدن فضای سیاسی در جامعه شده و تب و تاب مشروطه‌خواهی از تهران به دیگر شهرها سرریز می‌شود، به‌ویژه تبریز که در عهد قاجار به واسطه ولیعهدنشین بودن نقش پایتخت دوم را ایفا می‌کرد. در این ایام با آنکه هنوز محمدعلی میرزای ولیعهد با تمام قوا در برابر آزادی‌خواهان ایستادگی می‌کند، نشریات با مشی انتقادی در تبریز نیز انتشار می‌یابد. پس طاهرزاده فرصت را مغتنم شمرده با جسارت فعالیت‌های خود را تنوع و گسترش می‌دهد. در سال ۱۲۸۵ش او همکار روزنامه آذربایجان است که در تبریز منتشر می‌شود و اندکی بعد حسین را در کنار گردانندگان نشریه طنز و تندرو حشرات الارض می‌بینیم (تصاویر ۳ و ۴).

مشهورترین نشریه فکاهی - سیاسی ایران پیش از استبداد صغیر که از جمادی‌الاول ۱۳۲۶ تا جمادی‌الآخر ۱۳۲۷ منتشر شد حشرات الارض بود. مؤسس این نشریه میرزا آقا بلوری و نویسنده آن میرزا آقابتبریزی بودند. حشرات الارض مانند نشریات مشابه خود در آن سال‌ها به مثابه بازوی فرهنگی انجمن‌های محلی - سیاسی در پیشبرد اهداف مشروطه عمل می‌کرد. حشرات الارض که

اما حسین از سنین کودکی علاقه مفراطی به هنر نقاشی داشت و چون محیط و شرایط آن زمان به‌ویژه نظرات پدر و مادرش مساعد نبود که آزادانه فن نقاشی را بیاموزد ناگزیر در خفا تا آنجا که میسر بود به کار می‌پرداخت. حدود ده ساله بود که پنهان از چشم خانواده برای آموزش نقاشی به نزد «آقامیرغفار» نقاش تبریزی می‌رفت و تقریباً این آموزش سه سال ادامه داشت. از اینکه حسین نوجوان از میرغفار چه آموخت بر ما روشن نیست اما هر چه بود این آموزش‌ها روح تشنه‌کام او را سیراب نکرد.

در این ایام زمزمه‌های انقلاب مشروطیت در شهرهای بزرگ و از جمله تبریز هم شنیده می‌شد و برخی نشریات که انتشار آنها در داخل کشور به لحاظ دیدگاه‌های انتقادی ممکن نبود در استانبول یا قفقاز منتشر می‌شدند و به دست علاقه‌مندان در شهرهای مختلف می‌رسیدند. دور نیست که حسین، چنین روزنامه‌هایی را در لابه‌لای کتاب‌های پدرش دیده و اولین آگاهی‌های اجتماعی و دیدگاه‌های سیاسی را از طریق این نشریات درک کرده باشد؛ از این رو ۱۳-۱۴ ساله است که طرح‌هایی را برای روزنامه تأثیرگذار و سیاسی انتقادی ملانصرالدین به تفلیس می‌فرستد. اینکه یک نوجوان در آن سال‌ها چگونه می‌توانسته طرح‌های طنزآمیز خود را از تبریز به روزنامه‌ای در تفلیس برساند چندان روشن نیست؛ اما بی‌تردید او مکاتباتی با مدیر نشریه ملانصرالدین داشته است. طولی نکشید که ترسیم نقشه‌های قالی کارگاه قالیبافی (استونس) نیز به نقاش جوان رجوع شد و او در این قسمت نیز موفقیت‌هایی به دست آورد.

محدودیت‌های خانوادگی و فشار شدید اطرافیان، عرصه را برای فعالیت او تنگ کرد. در سال ۱۲۸۰ش از تبریز گریخته و بدون اجازه

آذربایجان



ایدا اجاره می توانم کنم شاکر روسی نایبمد آتدا بیدرزاق یزید و سرالندنا بیسم اس کانی مکوتقدیر قان بیسم بدید

تصویر ۳. روزنامه آذربایجان (مأخذ: آرشیو کتابخانه مجلس).

ملائصرالدین

ادجریس این МОЛЛА НАСРЕДИНЬ قهتی ۱۲ نیت ۸۸

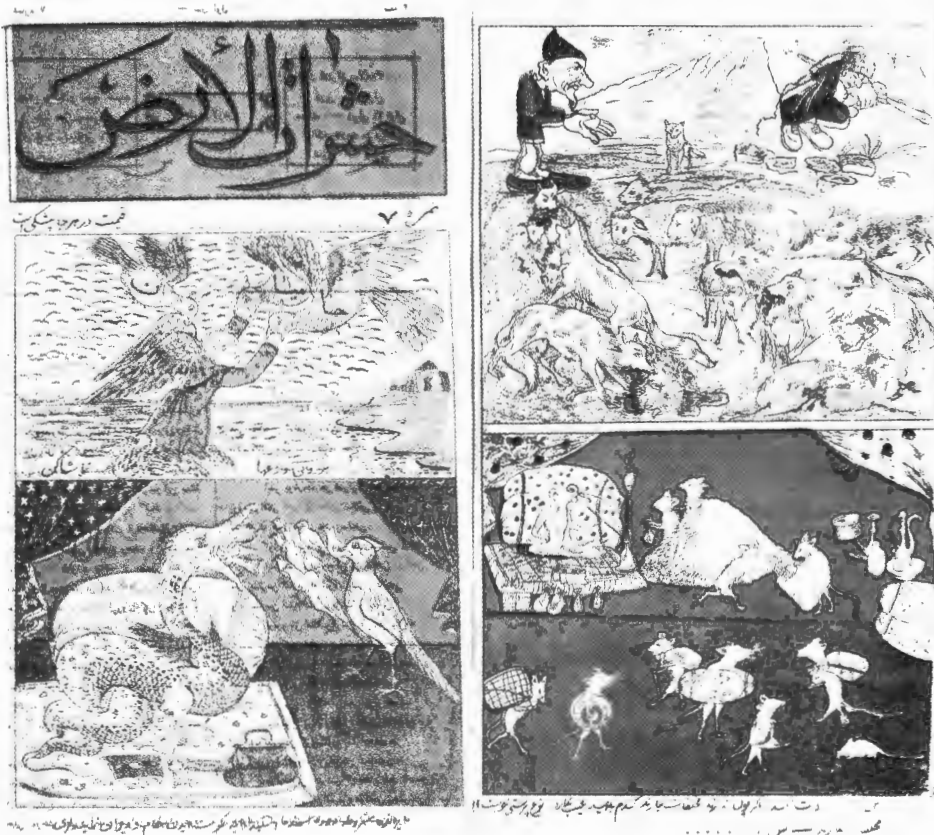


تصویر ۴. روزنامه ملا نصرالدین (مأخذ: آرشیو کتابخانه مجلس).

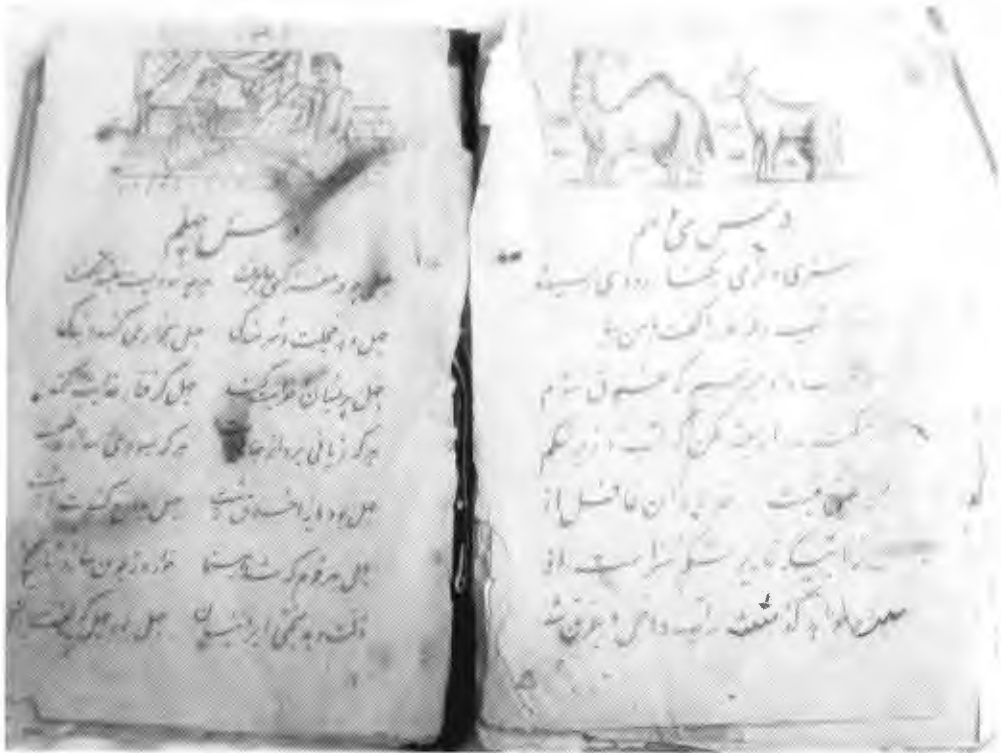
و کتاب اخلاق مصوراً تألیف میرزا احمدعلی خان صنیع السلطنه که با نام تاریخ مصور ایران نیز از آن یاد می‌شود. هر دو این کتاب‌ها از اولین منابع درسی آموزش نوین در مراکز و مدارس ایران بودند. کتاب احمد به زبانی ساده مسائل فیزیکی و اختراعات و اکتشافات جدید را و اخلاق مصور نیز که شامل حدود ۵۰ درس بود مجموعه‌ای از اخلاقیات از جمله راستگویی، صبر و بردباری و سخاوت را به کودکان آموزش می‌داد. گرایش‌های فکری و علایق روشنفکرانه طاهرزاده را در پرداختن به چنین مضامینی به سهولت می‌توان دریافت؛ یعنی برخلاف آرزوی پدر، نه تنها در سلک روحانیت و علمای دین در نیامده و نخواهد آمد بلکه در اندیشه او ایرانیت بر اسلامیت ارجحیت دارد و مسائل اجتماعی بر مسائل دینی برتری (تصاویر ۵ و ۶).

جانشین آذربایجان شد چهار صفحه بود. صفحه اول و چهارم ویژه طنز تصویری (کاریکاتور) بود که کشیدن آنها را حسین طاهرزاده بهزاد به عهده داشت. به نسبت دیگر نشریات، طنزهای تصویری این نشریه هنرمندانه و تأثیرگذار بود. اشخاصی که در دستگاه حاکم هدف این تصاویر بودند به شدت خشمگین می‌شدند و مترصد تنبیه و تلافی بودند و شاید از همین رو طاهرزاده طنزهای تصویری‌اش را امضا نمی‌کرد.^۲ «به علت جنگ مستبدان و مشروطه‌خواهان در تبریز از حشرات الارض بیش از ده و اند شماره بیرون نیامد» (سرداری نیا، ۱۳۶۰، ۱۴۱-۱۳۵).

در همین ایام طاهرزاده مصورسازی دو کتاب را نیز در کارنامه خود ثبت کرده است. کتاب احمد یا همان سفینه طالبی^۳ تألیف عبدالرحیم طالب اف



تصویر ۵. روزنامه حشرات الارض (مأخذ: آرشیو کتابخانه مجلس).



تصویر ۶. برگی از کتاب اخلاق مصور.

مزاخمت‌های روسیه و بریتانیا ویرانگر و دعوای مشروطه و مشروعه، اعتدالی و دموکرات و... جامعه را ملتهب ساخته است.

همسایه غربی ایران یعنی دولت عثمانی نیز شرایطی مشابه دارد. البته روابط مطلوبی میان دو ملت برقرار است و گروه‌هایی از انقلابیون تندرو یا تبعیدی در استانبول روزگار می‌گذرانند و فعالیت‌های سیاسی و فرهنگی خود را از آنجا دنبال می‌کنند؛ به‌ویژه آنان که بیم گرفتاری دارند. گرمی روابط سیاسی میان عثمانی و همسایه غربی‌اش آلمان نیز موجب شده است برخی از ایرانیان در شهر برلین مجتمع گردند. در چنین شرایطی است که حسین طاهرزاده و برادر کوچک‌ترش کریم در استانبول ماندگار می‌شوند.

حسین طاهرزاده سری پرشور دارد و افق‌های دوردست را می‌نگرد و به یافته‌ها و داشته‌هایش بسنده نمی‌کند؛ پس در مدرسه «صنایع ظریفه»

مهاجرت به استانبول: حسین طاهرزاده و برادرش کریم هر دو جزو نیروهای مسلح فعال ضدحکومت محمدعلی شاهی در تبریز بودند. به‌ویژه نام حسین در لیست ۹۰ نفره آزادیخواهان انقلابی قرار داشت که حکومت خواستار تسلیم آنها شده بود. پس با صلاح‌دید برخی رهبران محلی انقلاب از ایران گریخته به عثمانی رفتند. ابتدا حسین به استانبول رسید و به گروه ایرانیان مهاجر ضدحکومت استبدادی پیوست و فعالیت‌های خود را دنبال کرد. اندکی بعد برادر کوچک‌تر، کریم نیز به او ملحق شد (طاهرزاده بهزاد تبریزی، ۱۳۳۴: ۲۱۱-۲۱۳).

در سال‌های پس از فرار محمدعلی شاه و بازگشت مشروطه، از آن رو که احمدشاه خردسال است و نایب‌السلطنه‌ها مسئولیت دارند توان قدرت مرکزی بسیار ناچیز بوده و دولت‌ها متزلزل و ناپایدارند. اختلافات سیاسی رو به فزونی،



تصویر ۷. طاهرزاده و همکارانش در کارگاه نقشه‌قالی، کارخانه هرکه (استانبول) (مأخذ: موزه اسناد و آلبوم‌های سلطنتی).

مقام اول و دریافت گواهینامه از مدرسه صنایع ظریفه فارغ‌التحصیل می‌شود. چندی نمی‌گذرد که به عنوان معلم مینیاتور و تذهیب در «مدرسة الخطاطین» استانبول شروع به کار می‌کند و این همکاری و تدریس به هنرجویان ترک احتمالاً تا پایان حضور او در استانبول ادامه دارد.

طاهرزاده رابطه گرمی با انورپاشا، وزیر جنگ دولت عثمانی، که علایق هنری داشت دارد؛ از این رو از طرف وی به وزارت اوقاف عثمانی معرفی می‌شود تا در موزه‌های شهر استانبول به مرمت کتاب‌های مینیاتور قدیم بپردازد. وی طی سال‌ها فعالیت، صدها جلد کتاب خطی قدیمی نفیس ایرانی را تعمیر و منظم نموده،^۱ مأخذ آنها را تعیین و انتساب آنها را به ایران مدلل می‌نماید. همچنین در برپایی برخی نمایشگاه‌ها به دولتیان مدد می‌رساند. با توجه به تسلطش بر نقوش سنتی، تعجبی ندارد که با مدرسه قالببافی دولتی عثمانی

استانبول (امروزه آکادمی هنرهای زیبا) جهت تحصیل و فراگیری نقاشی با آبرنگ و رنگ روغنی و پرتره‌سازی ثبت‌نام می‌کند^۲ و از آموزش‌های استادان عثمانی و ایتالیایی بهره‌مند می‌شود و در کنار تحصیل هنر، فعالیت‌های مطبوعاتی و هنری خود را نیز ادامه می‌دهد؛ از جمله در این ایام او عضو هیئت تحریریه مجله شیداست که به مدیریت حاج میرزا حسن مقدم از پیشگامان آزادی‌طلب دوره مشروطه منتشر می‌شد. طاهرزاده تصاویر و کاریکاتورهای خود را در این نشریه با امضای «بینش» منتشر می‌کرد (نک: همو: ۳۴۵). در همین زمان است که یکی از آثار طاهرزاده به شارل، امپراتور اتریش و هنگری که به استانبول آمده بود تقدیم می‌شود و امپراتور نیز به منظور قدردانی و سپاس، یک سنجاق طلا با آرم سلطنتی اتریش را به وی هدیه می‌دهد.

در حدود سال ۱۲۹۴ش طاهرزاده با احراز

نیز همکاری داشته در طراحی و اصلاح نقشه‌های قالی فعال بوده باشد (تصویر ۷).

فعالیت‌های گسترده و متنوع طاهرزاده موجب می‌شود که در سال ۱۲۹۷ش ویلهلم دوم، امپراتور آلمان، که به دعوت دولت عثمانی به استانبول آمده بود از وی جهت تعلیم نقاشی به هنرجویان دانشکده برلین دعوت نماید؛ اما بروز جنگ جهانی اول و نیز مخالفت انورپاشا، مانع از عملی شدن این خواسته می‌گردد.

تنها همفکر و همراه او در میان اعضای خانواده، برادر کوچک‌ترش کریم است که در این سال‌ها با هم زندگی می‌کنند و هر دو در سازمان اوقاف شهر استانبول فعالیت دارند. کریم پس از پایان تحصیل در رشته معماری به سال ۱۲۹۷ش با دعوت کاردار سفارت آلمان در استانبول رهسپار برلین می‌شود. پس از ورودش به برلین در نتیجه متلاشی شدن دولت آلمان در جنگ، او با مشکلاتی دست به گریبان است؛ اما به تدریج سروسامانی پیدا کرده دفتر طراحی و معماری دایر نموده و با انقلابیون مشروطه‌خواه و باستان‌گرا از جمله حسن تقی‌زاده و حسین کاظم‌زاده ایرانشهر هم‌اندیشی و همکاری نزدیک دارد که کتاب سرآمدان هنر او ثمره این همراهی‌هاست.

در این سال‌ها محمدحسین میرزا قاجار، آخرین ولیعهد سلسله قاجاریه که از فعالیت‌های طاهرزاده در استانبول آگاه است با اعطای لقب «مزمین السلطان» از وی می‌خواهد که به وطن خود بازگردد؛ ولی طاهرزاده به دلیل وضع آشفته کشور و زاویه دیدی که نسبت به قاجار دارد این تقاضا را رد می‌کند و به‌رغم فرمان و لقب زیر بار نرفته و منتظر فرصتی دیگر می‌ماند تا در شرایطی مناسب‌تر به زادبوم خویش بازگردد.

با آنکه محل بود و باش حسین طاهرزاده بهزاد طی این سال‌ها شهر استانبول پایتخت امپراتوری رو به زوال عثمانی است، وی از طریق برادر خویش با آنچه در برلین می‌گذرد ارتباط دارد و از همین رو در سال ۱۳۰۴ش / ۱۹۲۳م به دعوت ناشران ایرانی فعال در آن دیار و برادرش، سفری به آلمان کرده در این سفر مصورسازی چند جلد کتاب از جمله هزار و یکشب را به انجام می‌رساند. «اگرچه از چاپ این کتاب به واسطه تحولات در آلمان خبری نشد» (طاهرزاده بهزاد تبریزی، ۱۳۳۴: ۴۳۱) و بی‌تردید با نشریات پیشرویی همچون مجله کاوه^۶ و ایرانشهر^۷ و اندیشمندان و نویسندگان پیرامون آن که از بانیان و حامیان حکومت پهلوی بودند همکاری می‌کند (تصویر ۸). حضور او در آلمان یکسال و نیم به طول می‌انجامد. انتظار می‌رود که در این مدت از موزه‌ها و مراکز هنری آن کشور دیدار داشته باشد. برادرش در این باره می‌نویسد:

یکسال و نیم مشاهده و تتبع در آثار جاوید موزه‌های برلین و مذاکرات با پروفیسورهای معروف و نقاشان زبردست آلمانی تحولات عظیمی در افکار آقای طاهرزاده به وجود آورد (همو: ۴۳۰).

آن‌گاه به استانبول بازگشته زندگی پرتلاش هنری‌اش را پی می‌گیرد. طاهرزاده با دختر عبدالرحیم شباهنگ که تبریزی بود ازدواج کرد. مدتی بعد خواهر زن طاهرزاده همسر داور، وزیر دادگستری رضاشاه، شد (نک: همو: ۴۳۵ و حامدی، ۱۳۹۸: ۷۷). تا بدین جا او حدود بیست سال از عمر خود را در عثمانی سپری کرده و سال‌های پایانی دهه چهارم حیات خود را می‌گذراند. روزگار تلخ جنگ جهانی اول را نیز در استانبول بوده و تحولات سیاسی آن کشور را از نزدیک دنبال کرده است.